

ارزیابی تاثیر ترتیبات ارزی بر توزیع درآمد در کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) و کشورهای عضو اوپک (OPEC)

نوع مقاله: کاربردی

میثم نصرآزادانی^۱

حمید هوشمندی^۲

بهروز صادقی عمروآبادی^۳

مهدی فدائی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۶/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۲۵

چکیده

با یکپارچگی اقتصاد جهانی و توسعه روز افزون تعاملات بین‌المللی، کشورها دیگر نمی‌توانند در اتخاذ سیاست‌های کلان اقتصادی نقش بخش خارجی اقتصاد را نادیده بگیرند. در این بین، ترتیبات و رژیم‌های ارزی می‌تواند اثرات کلان اقتصادی داشته باشند. هدف این مطالعه ارزیابی تاثیر ترتیبات ارزی بر توزیع درآمد می‌باشد. روش این تحقیق از نوع توصیفی تحلیلی و استفاده از رگرسیون گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) می‌باشد. داده‌های پانل و دوره بررسی سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۲۰ کشورهای عضو اوپک و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) را شامل می‌شوند که اکثر کشورهای اوپک را کشورهای اسلامی تشکیل می‌دهند و دارای رژیم ارزی میخکوب و دارای توزیع درآمد متوسط یا بد می‌باشند. فرضیه تحقیق آن است که ترتیبات ارزی بر توزیع درآمدی تاثیرگذار است. نتایج نشان می‌دهد در مقایسه‌ی رژیم‌های ارزی، شاخص نظام ارزی شناور مدیریت شده بر ضریب جینی برای گروه کشورهای اوپک منفی و معنادار است. همچنین اثر شاخص نظام ارزی میخکوب شدید بر متغیر وابسته ضریب جینی برای گروه کشورهای اوپک نیز

۱ کارشناسی ارشد مالی گرایش مهندسی مالی و مدیریت ریسک (نویسنده مسئول).

m.nasreazadani@gmail.com

۲ استادیار، گروه اقتصاد، واحد بهبهان، دانشگاه آزاد اسلامی، بهبهان، ایران.

ha.hooshmandi@iau.ac.ir

۳ استادیار دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، گروه اقتصاد دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

b.sadeghi@scu.ac.ir

۴ استادیار گروه اقتصاد دانشکده اقتصاد، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

fadaeemahdi@pnu.ac.ir

مثبت و معنادار است. در واقع برای هر دو گروه استفاده از رژیم ارزی شناور می‌تواند در مقایسه با رژیم ارزی ثابت بهتر نابرابری درآمدی را کاهش دهد. بنابراین با اتخاذ رژیم ثابت ارزی ممکن است نرخ ارز پایین‌تر از نرخ تعادلی تعیین شود. در این صورت، به دلیل ارزان بودن نرخ ارز، واردات رونق می‌یابد و تولید داخلی و صادرات ضعیف می‌شود، در نتیجه ممکن است مقامات این کشورها تمایل داشته باشند که مقداری تورم را به منظور جلوگیری از کاهش سطح تولید، صادرات و به طور کلی تغییرپذیری در مقابل شوک‌ها بپذیرند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که نظام شناور ارزی بر نابرابری در کشور های اوپک اثر معناداری ندارد.

کلمات کلیدی: توزیع درآمد، ترتیبات ارزی، نرخ ارز، ضریب جینی

طبقه بندی JEL: D33, F41, F31

مقدمه

بررسی عوامل موثر بر توزیع درآمد، برای سیاست‌گذاری جهت کاهش نابرابری درآمد و افزایش رفاه اجتماعی در کشورها یک ضرورت می‌باشد (نظری و فتوره چی، ۱۳۸۹). با یکپارچگی اقتصاد جهانی و توسعه روز افزون تعاملات بین‌المللی، کشورها دیگر نمی‌توانند در اتخاذ سیاست‌های کلان اقتصادی نقش بخش خارجی اقتصاد را نادیده بگیرند. در نظام بین‌المللی، نرخ ارز حلقه اتصال هر کشور با بقیه جهان چه در بازار کالا و چه در بازار دارایی‌هاست. همگرایی فزاینده بازار سرمایه، بعد از برچیده شدن نظام برتن وودز، به همراه موج عظیم آزادسازی‌های مالی از دهه ۱۹۸۰ به بعد در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، توجه به نرخ ارز و تغییرات آن را پیش از پیش جذاب کرده است (پرمینگر و فرانک، ۲۰۰۷، وولدی و صدیق ۲۰۱۹).

سیاست‌های اقتصادی با توجه به نوع رژیم ارزی از کانال‌های مختلفی متغیرهای کلان اقتصادی همچون رشد اقتصادی و ضریب جینی را تحت تأثیر قرار می‌دهند انتخاب رژیم ارزی، نتایج و عواقب آن یکی از موضوعات مهم مالیه بین‌الملل است (چیا و چنگ^۳، ۲۰۱۲ و هادج و همکاران^۴، ۲۰۱۸؛ جمیل^۵، ۲۰۲۲). به عبارت دیگر هم برای کشورهای در حال توسعه اوپک و هم برای کشورهای توسعه یافته OECD، انتخاب نوع و ترتیبات ارزی در طول تاریخ یک مساله بوده و کشورها با بررسی اثرات این نوع ترتیبات ارزی، به دنبال انتخاب بهترین نوع ترتیبات ارزی بوده‌اند تا اثرات توسعه آن را دنبال کنند که یکی از اثرات مهم ترتیبات و تغییرات ارزی، اثر بر توزیع درآمد جامعه می‌باشد. این مساله تا قبل از فروپاشی نظام برتن وودز^۶ (۱۹۷۳) موضوعیت نداشت، اما پس از فروپاشی این نظام در اوایل دهه ۷۰ قرن ۱۹ میلادی و اتخاذ اصلاحیه دوم توافقنامه صندوق بین‌المللی پول، کشورهای عضو توانستند رژیم ارزی خود را آزادانه‌تر انتخاب کنند. کشورهای پیشرفته صنعتی، رژیم ارزی شناور را اتخاذ کردند. فضای جدید، کشورهای در حال توسعه را با این سوال که رژیم ارزی مناسب کشورشان چیست (رژیم ارزی میخکوب شده، رژیم ارزی میخکوب خزنده، رژیم ارزی شناور مدیریت شده، رژیم ارزی شناور) و بر چه مبنایی باید انتخاب شود مواجه کرد. انتخاب رژیم ارزی، یکی از تصمیمات مهم در سیاست‌های کلان اقتصادی برای کشورهای در حال توسعه است که به اهداف سیاستی مقامات کشورها، ویژگی‌های ساختار و ماهیت تکنانه‌های وارد بر اقتصاد

۱- Preminger and Frank

۲ Woldie & Siddig

۳- Chia and Cheng

۴ hadj et al

۵ Jamil

۶- Bretton Woods System

آن‌ها بستگی دارد (نظری، ۱۳۹۵: توکلین و افضل‌ی ابرقویی، ۱۳۹۵؛ پاشا زانوس و همکاران، ۱۳۹۸). عملکرد رژیم ارزی در هر کشوری به شرایط داخلی آن کشور (تورم، توسعه‌یافتگی بازارهای مالی، ساختارهای تولیدی و صادراتی) و تا حدی شرایط جهانی پیش روی آن کشور بستگی دارد (شرایط سیاسی، میزان باز بودن اقتصاد)، اما دولت با فهم اثرات کلان و توزیعی ترتیبات ارزی، در راستای اهداف دولت به سمت یک نوع رژیم ارزی خاص در حرکت هستند (عزیزی نژاد و کمیجانی، ۱۳۹۶: هبل، کالدرون و اشمیت، ۲۰۰۸).^۱ به طور تجربی، کشورهایی که رژیم ارزی میخکوب دارند به یک لنگر اسمی (تورم یا نرخ ارز اسمی) برای حفظ ثبات در اقتصاد کلان نیاز دارند و ضرورت توسعه-یافتگی نهادهای مالی و سیاسی کم‌رنگ‌تر می‌شود. همچنین اگر کشوری بیشتر در معرض تکانه‌های حقیقی قرار گیرد رژیم ارزی شناور را اتخاذ می‌کند که در این صورت نقش نهادهای مالی، سیاسی و قانونی کلیدی می‌شود (سالواتوره، ۱۳۸۴: عاطفی منش، ۱۳۹۳، فیلیپ و همکاران، ۲۰۰۶، ایلزتکی و همکاران، ۲۰۲۲).^۲ نوسانات و نااطمینانی نرخ ارز به دلیل ایجاد نااطمینانی در تجارت باعث کاهش تجارت و به تبع آن کاهش تولید می‌شود و کاهش تولید باعث کاهش ارزش افزوده و اشتغال می‌شود پس نااطمینانی نرخ ارز بر توزیع درآمد تأثیر نامطلوب دارد (نوروزی، ۱۳۹۲، سرلاب، ۱۳۹۷ و ۱۳۹۵ و فلاح زاده و یوسفی، ۱۳۹۸). فرضیه تحقیق آن است که انواع ترتیبات ارزی (شناور، میخکوب شده و مدیریت شده) بر توزیع درآمدی کشورهای اوپک و OECD تاثیرگذار است. از این رو هدف این تحقیق آن است که اتخاذ ترتیبات ارزی مختلف چه تأثیری بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب در این پژوهش دارد و آیا ترتیبات ارزی میخکوب شده یا شناور کدام یک تاثیر بیشتری بر بهبود یا عدم بهبود توزیع درآمدها دارد؟

این مقاله در ۵ بخش ارائه می‌شود. پس از بیان مساله، در بخش دوم ادبیات و پیشینه موضوع مطالعه مرور می‌شود. بخش سوم، روش تحقیق و متغیرهای مدل را معرفی می‌کند. سپس بخش چهارم نتایج مدل رگرسیونی و در نهایت تجزیه و تحلیل نتایج در بخش پنجم ارائه می‌گردد.

۱. ادبیات و پیشینه پژوهش

۱-۲. رابطه نرخ ارز با توزیع در آمد

۱- Calderon and Schmidt-Hebbel

۲ Philippe et al

۳ Ilzetzki et al.

نابرابری در توزیع درآمد در جامعه به معنای محرومیت نسبی قشرهایی از مردم در مقایسه با دیگر اقشار جامعه می باشد (پروین و طاهری فرد، ۱۳۸۷؛ سرلاب، ۱۳۹۷؛ سجودی و جلیلی، ۱۳۹۹). بنابراین برای مقابله با مشکل توزیع نابرابر درآمد باید عوامل موثر بر آن را شناخت و با اتخاذ سیاست‌های مناسب، در راستای بهبود توزیع درآمد اقدام نمود. از یک طرف، افزایش رفاه اقتصادی، کاهش فقر و محرومیت و ایجاد امکانات عادلانه برای همه افراد از جمله اهداف عمده کلان اقتصادی هر کشوری است که بر رشد اقتصادی و مسائل اجتماعی تاثیرگذار است (صبوری و همکاران، ۱۴۰۲؛ فلاح زاده و یوسفی، ۱۳۹۸). توزیع درآمد و عوامل موثر بر آن در ادبیات تحقیق با منحنی کوزنتس مطرح می‌شود. کوزنتس^۱ (۱۹۵۵) رابطه‌ی U معکوس بین سطح درآمد و نابرابری درآمد را پیشنهاد داده است. کوزنتس توضیح داد که در مرحله اولیه توسعه اقتصادی، نابرابری درآمد با سطح درآمد افزایش می‌یابد تا رسیدن به سطح مشخصی از تولید ناخالص داخلی سرانه (معروف به نقطه عطف) و سپس توسعه صنعتی سازی، شهرنشینی، دموکراسی و رفاه، نابرابری درآمد را کاهش می‌دهد. کوزنتس تلاش زیادی کرد تا تئوری خود را به صورت تجربی آزمایش کند (کوزنتس ۱۹۵۶، ۱۹۵۹ و ۱۹۶۱). تئوری منحنی کوزنتس حاکی از این است که رشد پایدار اقتصادی در نهایت می‌تواند مشکل نابرابری درآمد را حل کند (لومبیبو، ۲۰۱۷). نقش مهم نابرابری درآمدی برای تحولات اقتصادی و اجتماعی در درازمدت به طور گسترده در ادبیات مورد توجه قرار گرفته است (صادقی عمروآبادی و همکاران، ۱۳۹۱، سوره بابو و همکاران، ۲۰۱۶، صادقی عمروآبادی، ۱۳۹۸، ژانگ و بن ناسور، ۲۰۱۹).

از طرف دیگر یکی از مهمترین اولویت‌ها برای صادرکنندگان و واردکنندگان، ثبات سطح قیمت‌ها و نرخ ارز است. به هنگام نوسانات نرخ ارز، صادرکنندگان و واردکنندگان با ریسک بالایی روبرو می‌شوند و بسیار دیده شده است که در این دوره (دوره نوسانات نرخ ارز)، این افراد به سمت فعالیت‌های دلالی سوق داده می‌شوند، و از این طریق نوسانات نرخ ارز عواقب خاص خود را بر اقتصاد خواهد داشت. بر همین اساس یکی از دلایل اصلی طرفداران نظام ارزی ثابت، آن است که این نظام با کاهش دامنه نوسانات نرخ ارز واقعی محیط مساعدتری برای تولید و تجارت خواهد داشت. اگر نرخ ارز واقعی نوسانات شدیدی داشته باشد، با توجه به اینکه صادرکنندگان و واردکنندگان به هنگام عقد قرارداد چشم انداز مشخصی از درآمدها و هزینه‌های خود به پول ملی

^۱ Kuznets

^۲ Lyubimov

^۳ Suresh Babu et al.

^۴ Zhang and Ben Naceur

ندارند، با وجود مشخص بودن ارزش کالاهای مذکور در زمان انعقاد قرارداد، به دلیل وجود فاصله‌ی زمانی تا هنگام دریافت درآمد صادراتی، این نوسانات می‌تواند ارزش کالاهای مذکور (به پول ملی را به شدت متاثر کرده و موجب ضرر یا سودهای کلان شود (افشاری و آذری، ۱۳۹۶؛ زارعی و همکاران، ۱۳۹۸). بنابراین، نوسانات نرخ ارز باعث می‌شود برخی افراد از چرخه‌ی تجارت و تولید خارج شوند و به سمت فعالیت‌های سفته‌بازی گرایش پیدا کنند، از این رو نوسانات نرخ ارز باعث کاهش مبادله و تولید و به تبع آن باعث کاهش درآمد ملی و رشد اقتصادی می‌گردد (فطرس و رسولی، ۱۳۹۵). از طرفی بحران‌های مالی با سرازیر شدن سرمایه‌ها از تولید به سمت فعالیت‌های سفته‌بازی، در بخش‌های مختلف اقتصادی حباب به وجود می‌آید و پیدایش حباب باعث افزایش سطح قیمت و تورم در جامعه می‌گردد و از این رو تاثیر منفی بر توزیع درآمد خواهد داشت (بودا و همکاران، ۲۰۲۲).

در تئوری‌های اقتصادی تاثیر نرخ ارز بر توزیع درآمد از دو بعد بررسی می‌شود: در حالت اول انتظار بر آن است که افزایش نرخ ارز ثابت به افزایش در حاشیه نرخ ارز منجر شود که این نیز به کاهش صادرات و تولید می‌انجامد. لذا در رژیم نرخ ارز ثابت، افزایش در نرخ ارز به سبب بالا بردن هزینه‌های صادرات، به زیان بخش تجاری و به نفع بخش غیرتجاری است. حال اگر در این حالت نابرابری کاهش یابد نشان‌دهنده این است که کسانی که در بخش تجاری قرار دارند، از درآمد بالاتر نسبت به کسانی که در بخش غیرتجاری فعالیت دارند، برخوردارند. در حالت دوم انتظار بر آن است که افزایش نرخ ارز در رژیم نرخ ارز آزاد، به افزایش در صادرات منجر شود زیرا حاشیه نرخ ارز کاهش یافته و نیز سود آوری صادرات را افزایش می‌دهد و این نشان می‌دهد، افزایش نرخ ارز شناور به نفع بخش تجاری و به زیان بخش غیرتجاری است و اگر کسانی که در بخش تجاری فعالیت می‌کنند درآمد بالاتری داشته باشند، منجر به افزایش نابرابری می‌گردد. (صفدری و شهیکی تاش، ۱۳۸۹).

رژیم‌های مختلف ارزی اثرات متفاوتی بر اقتصاد و نابرابری درآمدی کشورها خواهد داشت و اثر بحران‌های ارزی بر متغیرهای واقعی اقتصاد منفی و معنی‌دار است (وکیلی و همکاران، ۱۴۰۱). در این بخش به صورت تئوریک مزایا و معایب نظام‌های شناور و ثابت مشخص می‌شوند. سه دلیل برای برتری نرخ ارز ثابت عنوان می‌شود. نخستین دلیل نوسانات غیرقابل پیش‌بینی نرخ ارز شناور هم در کوتاه مدت و هم در بلندمدت می‌باشد. اگرچه هزینه‌های مربوط به نوسانات نرخ ارز به سختی قابل کمی‌کردن هستند، با این حال بسیاری از اقتصاددانان بر این باورند که ناطمینانی نرخ ارز تجارت جهانی را کاهش می‌دهد، انگیزه سرمایه‌گذاری را کم می‌کند و مشکلات مردم را در

مواجهه با بیمه کردن سرمایه انسان‌شان، در بازارهای ناقص دارایی‌ها تشدید می‌کند. به علاوه کارگران و واحدهای اقتصادی از نوسانات طولانی نرخ ارز آسیب دیده و اغلب تحت چنین شرایطی از دولت‌هایشان می‌خواهند که آنها را در برابر واردات حمایت نمایند. بخش عمده‌ای از اشتیاق وحدت پولی در اتحادیه اروپا ناشی از این باور است که نرخ ارز قفل شده به یورو منافع کشورها را در یک بازار یکپارچه حداکثر می‌کند و تغییرات اغواکننده نرخ ارزی را که موجب تغییر وضعیت رقابتی اعضای اتحادیه اروپا شده و به طریق اولی اجماع سیاسی برای تجارت آزاد درون اتحادیه اروپا را تخریب می‌کند، از بین می‌برد. دقیقاً باورهای شبیه این بود که طراحان سیستم برتون وودز را بر آن داشت خواهان نرخ ارز ثابت باشند. دومین دلیل برای انتخاب نرخ ارز ثابت این است که می‌خکوب شدن به پول کشوری که تورم پایین تری دارد به مهار فشار تورم کمک خواهد کرد، خواه این تورم ناشی از کسری شدید بودجه دولت و خواه ناشی از تصمیمات بخش خصوصی در تنظیم قیمت و دستمزد باشد. منطق اساسی پشت این دلیل آن است که سیاست اعلامی می‌خکوب کردن نرخ ارز می‌تواند به عنوان فرایند التزام دولت جهت مقاومت کردن در برابر وسوسه سیاست‌های انبساطی پولی شدید و یا حتی پیش‌قدم شدن برای عدم اتخاذ چنین سیاستی تلقی شود (آبسفیلد و راگاف، ۱۹۹۵).

سومین دلیلی که برای به کارگیری سیستم می‌خکوب نرخ ارز در یک کشور به کار می‌رود این است که برخی کشورها یک دوره کاهش قیمت را پس از دوره‌ای از بی‌ثباتی قیمت‌ها تجربه کرده‌اند. برای چنین کشورهایی رژیم نرخ ارز ثابت از آن جهت جذابیت دارد که لنگر قیمتی را برای تجارت کالا ایجاد می‌کند و یک معیار راهنما برای بخش خصوصی جهت پیش‌بینی تورم در آینده و برنامه‌ریزی متناسب با آن فراهم می‌نماید (برانوز، ۱۹۹۱). به هر حال دنیا در حال حرکت به سمت رژیم‌های ارزی شناور است و این قاعده‌ای پذیرفته شده در کشورهای پیشرفته می‌باشد. استثنای اصلی برای این الگو به نظر می‌رسد که اتحادیه‌های پولی نظیر اتحادیه پولی اروپا هستند که در آن کشورهای اروپایی که متشکل از تعدادی از کشورهای کوچک و باز هستند به طور عمده به دلایل سیاسی با هم متحد شده‌اند. تحلیل ما تا حدی با نظریه فرانکل (۱۹۹۹) هم جهت است. وی اظهار می‌کند که هیچ رژیم ارزی واحدی که بتواند به عنوان بهترین رژیم ارزی شناخته شود، وجود ندارد و حتی برای یک کشور هم برای همیشه یک رژیم ارزی نمی‌تواند بهترین گزینه باشد. به هر حال اگرچه دنیا در حال حرکت به سمت نظام‌های ارزی شناور است، رژیم‌های میانه بخش بزرگی از ترتیبات ارزی را به خود اختصاص می‌دهند. موارد اصلی دیگری که در مقابل رژیم‌های

۱ Obstfeld & Rogoff

۲ Bruno

میانۀ ارزی قابل طرح بوده‌اند، تجربه رژیم میخکوب قابل تعدیل در چارچوب سیستم برتون وودز بود که با حملات سفته‌بازانه دچار فروپاشی شد و ترتیبات ارزی میخکوب خزنده که پس از بحران-های اخیر آسیا این کشورها را به طور گسترده‌ای با استفاده از آن درگیر کرد که اثرات رژیم‌های مختلف ارزی را نشان می‌دهد (کریسن و همکاران، ۲۰۲۲).

در واکنش به آن، تجربه بسیاری از کارشناسان نظریه دوقطبی را به عنوان گزینه قابل انتخاب ارائه کرده‌اند. علاوه بر این، نظریه ترس از شناوری موجب شده بسیاری از اقتصادهای نوظهور به جای حرکت به سمت نظام شناور به سمت رژیم‌های میخکوب شدید حرکت کنند. در عین حال در دلاریزه شدن و سیستم‌های مبتنی بر دارایی‌های خارجی، کاستی‌های جدی وجود دارد که عمده‌ترین آن فقدان یک مقام پولی به عنوان قرض‌دهنده و پناهگاه نهایی برای دفع شوک‌های خارجی است لاراین و ولاسکو (۲۰۰۱). به علاوه، اتحادیه‌های پولی که قادرند بر این مشکلات فائق آیند، خود به توافقات سیاسی قابل توجهی نیازمندند که بتوانند از طریق آن خود را در مقابل شوک‌های ناگزیری که در طول زمان حادث می‌شود محافظت کنند (بوردو و جونانگ، ۲۰۰۰). با در نظر گرفتن آنچه که در مورد انتخاب رژیم ارزی گفته شد، برای کشورهای نوظهوری که هنوز به لحاظ مالی به میزان کافی توسعه نیافته‌اند و آمادگی لازم برای انتخاب رژیم‌های ارزی شناور را ندارند ترتیبات ارزی میانۀ گزینه قابل انتخابی است که می‌تواند به کار گرفته شود. یکی از این ترتیبات که می‌تواند توسط چنین کشورهایی مورد استفاده قرار گیرد، برنامه رژیم شناور ارزی مدیریت شده است که توسط موریس گلداستین (۲۰۰۲) ارائه شده است. این طرح مکمل هدف‌گذاری تورم و استقلال بانک مرکزی است که تعدادی از اقتصادهای پیشرفته جهان (نظیر سوئد، نیوزلند و کانادا) دنبال می‌کنند. این طرح اجازه مداخله در بازار ارز را به منظور خنثی کردن اثر شوک‌های موقت می‌دهد. همچنین، این طرح یک سیستم گزارش‌دهی فراهم می‌کند که از طریق آن هم میزان ارز در دسترس و هم مخاطرات مربوط به بدهی‌های خارجی را پشتیبانی نماید. ضمن آنکه شاید این رژیم ارزی بتواند زمینه اتخاذ یک استراتژی سلسله‌مراتبی جهت باز کردن بازارهای مالی داخلی به روی جریان‌های سرمایه خارجی را مهیا کند. در نهایت هنوز برای کشورهایی که به لحاظ سیاسی و اقتصادی به شدت یکپارچه‌اند و یا اقتصادهای کوچک و باز دارند اتحادیه پولی گزینه قابل انتخاب است.

۱ Criscione et al.

۲ Bordo Michael & Jonung

در کل می‌توان گفت، انتخاب نوع و رژیم ارزی و تغییرات نرخ ارز بر انباشت سرمایه، تورم و تولید و بهره‌وری موثر بوده که می‌تواند بر توزیع درآمد تاثیر گذار باشد (بلوکوگلو، ۲۰۲۰). به عبارت دیگر سیاست‌های دولت مبتنی بر انتخاب نوع و رژیم ارزی می‌تواند نابرابری و فقر را تحت تاثیر قرار دهد. تعدیل نرخ ارز در کنار مسائل ترازنامه‌ای، نوعی بازتوزیع درآمد به حساب می‌آید (بهادر، ۱۳۹۴). مطالعه در مورد کشورهای اوپک می‌باشد که اکثر آن‌ها را کشورهای اسلامی تشکیل می‌دهند. اکثر کشورهای اسلامی گروه اوپک همچون عربستان سعودی، قطر، لیبی، کویت، عمان، امارات و عراق از نوع میخکوب ارزی استفاده می‌کنند. بر اساس آخرین آمار بانک جهانی در سال ۲۰۲۰ نیز ضریب جینی کشورهایی همچون عراق برابر ۲۹٫۵، امارات برابر ۲۶ دارای توزیع درآمدی متوسط و خوب و کشورهای ایران برابر ۴۰٫۹، عربستان سعودی ۴۵٫۶، قطر برابر ۴۶٫۲ و کویت ۴۷٫۱ عمان برابر ۵۵٫۷، لیبی برابر ۵۵٫۹ و الجزیره ۶۱٫۹ دارای توزیع درآمد نامناسب هستند.^۲ مبتنی بر نظر فرانکل (۱۹۹۹)، انتخاب بین میخکوب شدید و رژیم ارزی شناور تا حدی به ویژگی‌ها و خصوصیات اقتصادی یک کشور و تا حدی به تاریخچه تورمی آن بستگی دارد. انتخاب رژیم میخکوب شدید برای کشورهایی معنا دارد که یا با تاریخ طولانی بی‌ثباتی پولی مواجه بوده‌اند و یا برای کشورهایی که از نقطه نظر تبادلات مالی حساب جاری و حساب سرمایه با یک یا گروهی از کشورها یکپارچه شده باشند.

۱-۲- پیشینه پژوهش

۱-۲-۱- پیشینه داخلی

فلاحی و یوسف زاده (۱۳۹۸) به بررسی بررسی رابطه بین نرخ ارز و نابرابری درآمدی در ایران طی دوره زمانی ۱۳۹۶ - ۱۳۷۲ پرداختند و از الگوی خود بازگشت برداری با وقفه‌های گسترده (ARDL) استفاده کردند. نتایج نشان می‌دهد که نرخ ارز ارتباط مثبت و معنی داری با ضریب جینی دارد بدین معنی که همزمان با افزایش نرخ ارز، ضریب جینی افزایش یافته و نابرابری توزیع درآمد در جامعه بیشتر می‌شود. اما افزایش تورم و تولید ناخالص داخلی سرانه باعث کاهش سطح نابرابری درآمدی می‌شوند.

سرلاب (۱۳۹۷) در بررسی اثر افزایش نرخ ارز بر نابرابری درآمد در بخش شهری از یک الگوی اقتصاد سنجی کلان ساختاری طی دوره ۹۳-۱۳۸۸ جهت بررسی اثرات نرخ ارز روی متغیرهای رابط

^۱ Bolukoglu

^۲ <https://data.worldbank.org>

اقتصاد کلان استفاده کرده است. سپس از طریق پیوند الگوی کلان با یک مدل خرد داده خانوار به بررسی اثر توزیعی افزایش نرخ ارز پرداخته شد. همچنین در الگوی خرد از اطلاعات درآمد-هزینه خانوار طی دوره ۹۳-۱۳۷۶ استفاده شده است. نتایج نشان داد که افزایش ۲۰ درصدی نرخ ارز ضریب جینی بخش شهری را در کوتاه مدت آنچنان تحت تاثیر قرار نمی دهد، اما با گذشت ۴ دوره ضریب جینی را به اندازه ۴,۳۷ درصد افزایش داده و نابرابری در توزیع درآمد را افزایش می دهد.

بهادر (۱۳۹۴) در بررسی نظامهای ارزی دسته بندی، شناسایی و آثار اقتصادی به معرفی، دسته بندی و بررسی آثار اقتصادی نظامهای ارزی مختلف و نیز نظریه های انتخاب آنها می پردازد. این نوشتار با بررسی سازوکارهای اثرگذاری نظامهای ارزی بر عملکرد اقتصاد کلان نشان می دهد توصیه نظام ارزی یکسان برای تمام کشورها و تمام دورانها ممکن نیست. همچنین این تحقیق نتایج تجربی موجود در زمینه شناسایی آثار اقتصادی نظامهای ارزی را جملا بندی و عنوان میکند تغییر ملاک شناسایی و دسته بندی نظام ارزی، موجب عدم پایداری نتایج تجربی به دست آمده از این بررسی ها می شود. علاوه بر این، برخی از این تحقیقات قادر به تفکیک آثار مشابه اقتصادی نظام ارزی از سایر نهادهای اقتصادی از جمله نهاد سیاست پولی نیز نیستند. این مقاله عنوان میکند به علت محدودیتهای هر نظام ارزی، ترکیب انواع شناور نظامهای ارزی با نهاد مناسب دیگر از جمله مالی، پولی، نهاد نظارت بر بخش مالی به نتایج مطلوبتری منجر خواهد شد و تغییر نظام ارزی به تنهایی مطلوب نیست.

اسدی و بهرامی (۱۳۹۲) به بررسی انتخاب منطقه بهینه ارزی و فرضیه بحران ارزی از منظر نظریه اقتصاد سیاسی پرداخته اند. متغیرهای مورد استفاده، ساختار اقتصادی و سیاسی کشورهای مورد بررسی را نشان می دهد که در بازه زمانی ۱۹۷۴ تا ۲۰۱۱ در نمونه انتخابی از ۳۱ کشور تولیدکننده نفت با بیشترین میزان تولید با استفاده از مدل پنل لاجیت مورد بررسی قرار گرفته است. نتیجه این مطالعه حاکی از اهمیت ساختار سیاسی، رانت نفتی، ایدئولوژی دولت و اندازه اقتصاد در تعیین نظام ارزی در نمونه مورد بررسی است. بدین ترتیب که هرچه ساختار سیاسی دمکراتیک تر، ایدئولوژی دولت چپ گرایانه تر و اندازه اقتصاد بزرگتر باشد، احتمال اتخاذ نظام ارزی شناور افزایش می یابد و هرچه رانت نفتی و درجه وابستگی به درآمد نفت بیشتر باشد گرایش به نظام ارزی ثابت افزایش می یابد.

نوروزی (۱۳۹۲) به بررسی تاثیر نااطمینانی نرخ ارز بر توزیع درآمد در ایران طی سالهای ۱۳۸۷-۱۳۵۰ از روش خود بازگشتی با وقفه های توزیعی استفاده کردند. نتایج حاصل از این بررسی نشان می دهد که با افزایش نوسانات نرخ ارز نابرابری توزیع درآمد افزایش می یابد. همچنین نتایج این تحقیق نشان می دهد که همراه با افزایش نرخ ارز نابرابری در توزیع درآمد کاهش می یابد، رشد

اقتصادی تاثیر منفی و معناداری بر ضریب جینی دارد و این بدین معنی است که با افزایش رشد اقتصادی نابرابری در توزیع درآمد کاهش می‌یابد، هزینه‌های دولتی و تورم باعث افزایش نابرابری در توزیع درآمد می‌شوند، باز بودن اقتصاد تاثیر معناداری بر توزیع درآمد ندارد.

سلطان آبادی (۱۳۹۱) به بررسی رابطه بین نرخ ارز و نابرابری درآمد در ایران طی سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۵۰ از روش ARDL^۱ استفاده کرده است. نتایج حاصل از این بررسی نشان می‌دهند که تقویت پول ملی (کاهش نرخ ارز)، کاهش نابرابری اقتصادی را در پی خواهد داشت. بهره‌وری نیروی کار و هزینه‌های دولت برای هر خانوار رابطه مستقیمی با ضریب جینی داشته‌اند، به این مفهوم که افزایش این دو متغیر، توزیع درآمد در جامعه را نابرابرتر می‌کند. اما رابطه تورم با ضریب جینی معکوس ارزیابی شده که برابری بیشتر توزیع درآمد در قبال افزایش تورم را نشان می‌دهد. رابطه معناداری میان درجه باز بودن اقتصاد و ضریب جینی در این تحقیق دیده نشده است.

ریمون (۱۳۸۰) در بررسی سیاست تثبیت نرخ ارز در کشورهای در حال توسعه، نظریه‌های جدید پیرامون انتخاب نظام مناسب نرخ ارز، سیاست تثبیت را بررسی می‌کند. با توجه به نظریه‌های موجود در این نتیجه حاصل می‌شود که انتخاب سیاست تثبیت در کشور می‌تواند نسبت به دیگر عوامل مانند رشد پولی در کاهش انتظارات تورمی موثر واقع شود. در صورتی که با افزایش شفافیت یا قابلیت کنترل سیاست پولی همراه شود. البته تحت شرایط خاص، احتمال آسیب پذیری این نظام در برابر تغییر انتظارات تورمی وجود دارد.

۱-۲-۲- پیشینه خارجی

وولدی و صدیق (۲۰۱۹) در مطالعه خود برای بررسی اثرات کلان و توزیعی کاهش نرخ ارز در اتیوپی از یک مدل واحد تعادل عمومی واحد تعادل عمومی شبیه‌سازی استفاده کردند. نتایج نشان داد که اگر چه کاهش ارزش صادرات به صادرات کمک می‌کند تا در کوتاه‌مدت رقابتی‌تر عمل کند، در نتیجه افزایش درآمدهای صادرات، در طول مدت طولانی سیاست به عنوان تاثیر تورم و تورم در کشورهای در حال توسعه مثل اتیوپی پیدا می‌شود. این مساله همچنین در هزینه کاهش رفاه خانواده و سرمایه‌گذاری صورت گرفته است. از لحاظ تاثیر توزیعی، نتیجه شبیه‌سازی سیاست نشان می‌دهد که کاهش ارزش ارز به طور نامتناسبی نسبت به خانوارهای روستایی در اتیوپی، ماهیت سبب مصرف آن‌ها و توزیع درآمد را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

هادج و همکاران (۲۰۱۸) رابطه بین نظارت و رشد اقتصادی با تمرکز بر نقش نظام مبادله را با روش رگرسیون گشتاورهای تعمیم یافته برای داده‌های پانل به منظور غلبه بر ناهماهنگی بودن،

۱ - Autoregressive Distributed Lag

بررسی کردند. داده‌ها بر اساس یک پانل ۵۰ کشوری است که ۲۱ کشور توسعه یافته و ۲۹ کشور در حال توسعه در دوره ۱۹۹۶-۲۰۱۲ را شامل می‌شود. این تحقیق بیان می‌کند که نظارت برای توضیح رشد اقتصادی بسیار مهم نیست در حالی که انعطاف پذیری نرخ ارز به طور قابل توجهی بازارهای نوظهور را بی‌ثبات می‌کند و باعث تسریع در رشد اقتصادی کشورهای توسعه یافته می‌شود. به همین ترتیب، بیان می‌کند که نظارت خوب انتخاب ریسک نرخ ارز انعطاف پذیر رو تشویق می‌کند و انعطاف‌پذیری نرخ ارز نیاز به بهبود نظارت برای تحریک رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه دارد. در مورد کشورهای توسعه یافته نظارت خوب رشد اقتصادی را تسریع می‌کند اگر رژیم نرخ ارز بیش از حد انعطاف‌پذیر یا کاملاً شناور نباشد انعطاف‌پذیری نرخ ارز، فعالیت اقتصادی را افزایش می‌دهد اگر نظارت کاملاً با کیفیت نباشد. بنابراین، برآوردها نشان می‌دهند که ماهیت رژیم نرخ ارز نقش مهمی در تصمیم‌گیری بهبود کیفیت نظارت ایفا می‌کند. به طور مشابه، کیفیت نظارت مطلوب رژیم مبادله ارزی بهینه را تعیین می‌کند.

بلینی و همکاران^۱ (۲۰۱۸) رژیم‌های نرخ ارز، کاهش ارزش‌ها و سقوط رشد در دوره ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۲ برای ۱۹۳ کشور را بررسی کردند و نشان دادند که فروپاشی رشد، تحت رژیم‌های نرخ ارز کمتر انعطاف‌پذیر و به ویژه سختی گیرندگان، بیشتر است. در میان رژیم‌های متوسط، کسانی که با کاهش ارزش‌های اخیر کمتر احتمال دارد که سقوط رشد را تجربه کنند، که نقش تعدیل نرخ ارز را در کاهش اثرات خروجی شوک منفی تأیید می‌کند. یافته‌های ما به تغییر قابل توجه در الگوی انقراض رشد پس از بحران مالی جهانی پایدار است.

آپرگیس و کوری^۲ (۲۰۱۷) به بررسی اثر نامتقارن تغییرات واقعی نرخ ارز بر فقر از طریق کانال انتقال پول برای ۹۹ کشور در دوره ۱۹۸۰-۲۰۱۵ پرداختند. با توجه به رویکرد مدل سازی نسبی آستانه، نتایج نشان می‌دهد که کاهش ارزش واقعی نرخ ارز، تاثیر مثبتی بر فقر از درآمد می‌گذارد. انتظار می‌رود که نتایج در مورد کشورهای در حال ظهور و در حال توسعه در طراحی نرخ ارز و سیاست‌های تورمی که بر میزان فقر مردم خود از طریق مکانیزم انتقال پول تأثیر می‌گذارند، اهمیت داشته باشد.

بهمنی اسکویی و متولی‌زاده اردکانی (۲۰۱۷) اثرات نامتقارن تغییرات نرخ ارز در اندازه‌گیری توزیع درآمد را برای ۴۱ کشور که برای آن‌ها ضریب جینی موجود می‌باشد پرداختند. با توجه به تعدیل آهسته دستمزد نسبت به اثرات تورمی ناشی از کاهش ارزش پول، درآمد می‌تواند از کارگران به تولیدکنندگان منتقل شود. با استفاده از مدل اصلاح خطای نامطلوب اخیر و همبستگی نامتقارن

۱- Michael Bleaney et al

۲- Apergis & Cooray

شین و همکاران (۲۰۱۴)، از اثرات نامتقارن کوتاه مدت در ۳۴ کشور و اثرات نامتقارن دراز مدت در ۲۲ کشور حمایت شد، و این کشف منحصر بفرد توسط تحقیقات قبلی به دست آمد. اثرات نامتقارن به دست آمده نشان می‌دهد که کاهش ارزش در ۱۰ کشور اثرگذاری نامطلوب و نابرابری دارد و در ۵ کشور تاثیر برابر دارد.

شهباز و همکاران^۱ (۲۰۱۳) به بررسی تاثیر کاهش ارزش اسمی بر توزیع درآمد در پاکستان پرداختند. رویکرد آزمون توزیع خودکار رگرسیونی (ARDL) برای همپوشانی برای رابطه طولانی-مدت و مدل اصلاح خطای تصادفی (VECM) برای دینامیک کوتاه مدت استفاده شده است. همچنین آزمون Kuznets inverted-U رابطه بین نابرابری درآمد و رشد اقتصادی را نشان می‌دهد. ارتباط طولانی مدت میان سری‌ها را پیدا شد و کاهش ارزش اسمی نابرابری درآمد را بدتر کرد. گرچه رشد اقتصادی به نظر می‌رسد توزیع درآمد را بدتر کند، پیوند غیرخطی بین متغیرها نشان دهنده ارتباط نوع Kuznets-U (1955) است، این امر در درازمدت برای پاکستان تضمین می‌شود. همچنین یافتیم که FDI و تجارت آزاد توزیع درآمد را بدتر می‌کند. تورم، نابرابری درآمد را کاهش می‌دهد، اما بیکاری در پاکستان آن را تشدید می‌کند.

در مجموع می‌توان گفت پژوهش‌های پیشین، عوامل موثر بر نرخ ارز (ماندگانی و همکاران، ۱۳۹۱) و اثرات نرخ ارز را بر متغیرهای کلان اقتصادی بررسی کرده‌اند. همچنین در مورد اهمیت ترتیبات ارزی و اثرات آن بر برخی متغیرهای کلان اقتصادی همچون رشد اقتصادی بحث شده است، اما کمتر به اثرات ترتیبات ارزی بر توزیع درآمد مطالعه شده است. همچنین این مطالعه با تفکیک دو گروه کشور اوپک، غالباً کشورهای در حال توسعه با مشکلات جدی در تعیین ترتیبات ارزی و گروه کشورهای OECD، عمدتاً کشورهای توسعه یافته با معضلات کمتری در تعیین ترتیبات ارزی، پرداخته است که از دیگر نوآوری‌های این مطالعه می‌باشد.

۲. روش پژوهش

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش برحسب هدف کاربردی و برحسب روش از نوع روش توصیفی-تحلیلی مبتنی بر آزمون‌های اقتصادسنجی می‌باشد که در آن از تحلیل رگرسیون به روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) انجام می‌شود. در این تحقیق موضوع مورد مطالعه تعیین اثر ترتیبات ارزی اتخاذ شده بر توزیع درآمد می‌باشد. قلمرو مکانی مورد بررسی تحقیق شامل کشورهای عضو سازمان OPEC و بلوک تجاری OECD می‌باشد. قلمرو زمانی دوره بررسی سال-های ۲۰۲۰-۲۰۰۷ را شامل می‌شود. برای آزمون فرضیه از داده‌های ثبتي بانک جهانی world

۱- Shahbaz et al

Bank و نرم افزار WDI استفاده شده است. روش برآورد GMM حداقل به سه دلیل مناسب است. یکی از مزیت‌های روش GMM این است که اجازه می‌دهد از وقفه این متغیرها به عنوان ابزارهای مناسبی جهت کنترل درون‌زایی استفاده کنیم. دومین مزیت این روش این است که می‌توان پویایی‌های موجود در متغیر مورد بررسی را در مدل لحاظ کرد و سومین مزیت این روش این است همه در داده‌های سری‌زمانی، مقطعی و پانل قابل استفاده است (اشرف زاده و مهرگان، ۱۳۸۷). مدل کاربردی این پژوهش براساس مطالعه اسکویی و متولی زاده (۲۰۱۸) به شرح زیر است:

$$\text{Gini}_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{Gini}(-1)_{i,t} + \alpha_2 \text{FF}_{i,t} + \alpha_3 \text{MF}_{i,t} + \alpha_4 \text{CN}_{i,t} + \alpha_5 \text{NP}_{i,t} + \alpha_6 \text{Exch}_{i,t} + \alpha_7 \text{GDP}_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{رابطه (۱)}$$

که متغیرهای مورد استفاده در مدل این تحقیق عبارتند از: ضریب جینی Gini به عنوان متغیر وابسته و ترتیبات ارزی به عنوان متغیر مستقل و متغیرهای کنترل تولید ناخالص داخلی حقیقی و نرخ ارز واقعی. در بین رژیم‌های ارزی، بیشترین حالت‌های ارزی در بین کشورهای منتخب، چهار حالت نظام ارزی شناور (FF)، نظام ارزی شناور مدیریت شده (MF)، نظام ارزی میخکوب خزنده (CN) و نظام ارزی میخکوب شدید (NP) می‌باشد. انتخاب این چهار حالت به دلیل استفاده بیشتر این چهار حالت و رژیم ارزی در بین کشورها می‌باشد.

۳. نتایج تحقیق

در ابتدا قبلاً از تخمین مدل، به منظور آزمون ترکیب پذیری داده‌ها و همگن بودن کشورها در هر بلوک، آزمون F لیمر برای هر دو گروه انجام شده است و نتایج نشان می‌دهد که احتمال آماره F کمتر از ۰,۰۵ بوده و حاکی از همگن بودن کشورهای هر دو بلوک اوپک و OECD می‌باشد و استفاده از داده‌های پانل تایید می‌شود.

۳-۱- نتایج تخمین مدل پژوهش برای کشورهای دو بلوک تجاری اوپک و OECD

در این قسمت، پیش‌آزمون‌های موردنیاز تخمین برای کشورهای دو بلوک تجاری اوپک و OECD انجام خواهد شد. پیش‌آزمون‌های موردنیاز، مفروضات کلاسیک همچون واریانس ناهمسانی، خود همبستگی و نرمالیتی می‌باشد.

آزمون هم‌خطی متغیرهای مستقل با استفاده از آماره VIF برای هر دو بلوک داده‌ها انجام شد و نتایج آماره همگی کمتر از عدد ۵ بوده که نشان‌دهنده عدم خطی شدید بین متغیرهای تحقیق می‌باشند. همچنین آزمون مانایی متغیرهای پژوهش با استفاده از آماره لوین لین چو (LLC) انجام شد که حاکی از مانایی تمام متغیرهای تحقیق می‌باشد.

۳-۱-۱- آزمون‌های خودهمبستگی و واریانس ناهمسانی مدل رگرسیون

۱- عدم خودهمبستگی: در این پژوهش به منظور عدم بررسی عدم خودهمبستگی، از نرم‌افزار Stata12 و آزمون وولدریج^۱ استفاده شده است. در صورتی که آماره احتمال مربوط به آزمون وولدریج کمتر از ۰/۰۵ باشد فرضیه H_0 مبنی بر عدم خودهمبستگی رد می‌شود و در مقابل فرضیه H_1 مبنی بر وجود خودهمبستگی پذیرفته می‌شود.

جدول (۱): آزمون وولدریج

نتیجه	احتمال	آماره آزمون
عدم خودهمبستگی	۰/۱۹۵۳	۱/۰۳۶
عدم خودهمبستگی	۰/۳۹۸۵	۱/۴۱۸

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به این که آماره احتمال این آزمون در مدل بیشتر از سطح معنی‌داری ۵٪ است، مدل‌های پژوهش خودهمبستگی ندارد.

۲- همسانی واریانس‌ها: در این پژوهش به منظور بررسی همسانی واریانس، از نرم‌افزار Stata12 و آزمون LR استفاده شده است. در صورتی که آماره احتمال مربوط به آزمون کمتر از ۰/۰۵ باشد فرضیه H_0 مبنی بر همسانی واریانس رد می‌شود و در مقابل فرضیه H_1 مبنی بر ناهمسانی واریانس پذیرفته می‌شود. جدول شماره (۲) نتایج حاصل از بررسی ناهمسانی واریانس با استفاده از آزمون LR را نشان می‌دهد.

جدول (۲): آزمون ناهمسانی LR

نتیجه	احتمال	آماره آزمون
عدم ناهمسانی واریانس	۰/۸۰۲۵	۱/۶۲۵
عدم ناهمسانی واریانس	۰/۶۷۴۹	۱/۵۱۴

منبع: یافته‌های پژوهش

۱ - Wooldrige

همانطور که ملاحظه می شود مقدار آماره احتمال در مدل بیشتر از مقدار خطای استاندارد ($\alpha=0/05$) است، بنابراین ناهمسانی واریانس در مدل پژوهش وجود ندارد.

۳-۲- تخمین مدل

۳-۲-۱- تخمین برای گروه کشورهای اوپک

نتایج مدل تحقیق برا گروه کشورهای اوپک به صورت زیر می باشد:

جدول (۳) برآورد الگو در کشورهای اوپک: متغیر وابسته ضریب جینی Gini

نام متغیر	نماد	ضریب	آماره	احتمال آماره
ضریب جینی با یک وقفه	Gini (-1)	۰/۰۱۸	۲/۶۱	۰/۰۰۱
نظام ارزی شناور	FF	۰/۱۹۸	۲/۵۱	۰/۰۰۳
نظام ارزی شناور مدیریت شده	MF	-۰/۱۷۴	-۲/۵۲	۰/۰۰۹
نظام ارزی میخکوب خزنده	CN	-۰/۰۰۰۵	-۰/۰۹	۰/۸۳۱
نظام ارزی میخکوب شدید	NP	۰/۰۰۷	۲/۴۳	۰/۰۰۷
نرخ ارز	Exch	۰/۰۴۵	۲/۶۵	۰/۰۱۱
تولید ناخالص داخلی (سالانه)	GDP	۰/۱۵۷	۱/۹۹	۰/۰۴۳
توان ۲ تولید ناخالص داخلی	GDP2	-۰/۱۸۳	-۲/۸۶	۰/۰۰۱

آماره والد آزمون سارگان ۳,۲۹ احتمال آماره سارگان: ۰,۴۱۵
 آماره M2: ۳/۹۶ - احتمال آماره: ۰,۳۹۴ ضریب تعیین تعدیل شده: ۰,۷۹

منبع: یافته‌های پژوهش

آزمون سارگان (۱۹۵۸) برای آزمون همبستگی پسماندها استفاده می شود (بالتاجی، ۲۰۰۵). در واقع این آزمون ارتباط بین باقیمانده‌های تخمین را بررسی می کند تا مشکل خودهمبستگی به عنوان یکی از مشکلات احتمالی کلاسیک رگرسیون را آزمون کند که در نهایت وجود این خودهمبستگی در این مدل ها رد شده است. نتایج آزمون همبستگی سریالی و آماره M2 نشان

می‌دهد که آماره ۳/۹۶- و احتمال معناداری ۰,۳۹ می‌باشد که بر اساس نتایج بدست آمده، ضریب متغیر خودرگرسیون مرتبه اول و دوم در مدل معنادار نبوده و فرض صفر مبنی بر عدم همبستگی سریالی را نمی‌توان رد کرد و نشان می‌دهد که خطای تورش تصریح وجود ندارد. مقدار LR رگرسیون که نشان از توان توضیح دهنده‌گی مدل است، برای این مدل احتمال آماره کمتر از ۰/۰۱ است، که می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۹ درصد این مدل معنادار بوده و یا احتمال آماره کمتر از ۰/۱ است، که می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۰ درصد این مدل معنادار بوده و دارای اعتبار است، همچنین مقدار ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش ۷۹ درصد متغیر وابسته نابرابری را تبیین می‌کنند. نتایج نشان دهنده اثر معنادار ترتیبات ارزی بر متغیر ضریب جینی گروه کشورهای اوپک است.

۳-۲-۲- تخمین برای گروه کشورهای OECD

نتایج مدل تحقیق برای کشورهای OECD به صورت زیر می‌باشد:

جدول (۴) برآورد الگو در کشورهای OECD: متغیر وابسته ضریب جینی Gini

نام متغیر	نماد	ضریب	آماره	احتمال آماره
ضریب جینی با یک وقفه	Gini (-1)	۰/۰۰۴۸۹	۴/۶۰۱	۰/۰۰۰
نظام ارزی شناور	FF	-۰/۰۸۰۴	-۶/۱۰۱	۰/۰۰۰
نظام ارزی شناور مدیریت شده	MF	-۰/۰۳۰۳۱	-۲/۱۰۱	۰/۰۳۵
نظام ارزی میخکوب خزنه	CN	۰/۰۰۲۸	۰/۱۸۱	۰/۵۲۸
نظام ارزی میخکوب شدید	NP	۰/۰۹۷۱	۶/۰۸۵	۰/۰۰۰
نرخ ارز	Exch	۰/۴۱۰۱	۲/۹۲۱	۰/۰۴۸
تولید ناخالص داخلی (سالیانه)	GDP	۰/۱۸۶	۳/۰۹۱	۰/۰۰۱
توان ۲ تولید ناخالص داخلی	GDP2	-۰/۴۱۸	-۴/۰۹۶	۰/۰۰۰

آماره والد آزمون سارگان ۳,۲۸ احتمال آماره سارگان: ۰,۳۷۴
 آماره M2: ۳/۰۹- احتمال آماره: ۰,۳۲۹ ضریب تعیین تعدیل شده: ۰,۸۶

منبع: یافته‌های تحقیق

مقدار LR رگرسیون که نشان از توان توضیح‌دهندگی مدل است، برای این مدل احتمال آماره کمتر از ۰/۰۱ است، که می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۰ درصد این مدل معنادار بوده و دارای اعتبار است، همچنین مقدار ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش ۸۶ درصد متغیر وابسته نابرابری را تبیین می‌کنند. نتایج آزمون همبستگی سریالی و آماره M2 نشان می‌دهد که آماره ۳/۰۹- و احتمال معناداری ۰,۵۰ می‌باشد که بر اساس نتایج بدست آمده، ضریب متغیر خودرگرسیونی مرتبه اول و دوم در مدل معنادار نبوده و فرض صفر مبنی بر عدم همبستگی سریالی را نمی‌توان رد کرد و نشان می‌دهد که خطای تورش تصریح وجود ندارد. همچنین نتایج نشان دهنده اثر معنادار ترتیبات ارزی بر متغیر ضریب جینی گروه کشورهای OECD است.

۴. تجزیه و تحلیل نتایج و پیشنهادها

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اثر متغیر مستقل رژیم ارزی می‌خکوب شده بر متغیر وابسته شاخص ضریب جینی به عنوان توزیع درآمد مثبت و معنادار است و نشان می‌دهد که افزایش رژیم ارزی می‌خکوب شده و حرکت کشورها به سمت ترتیبات ارزی می‌خکوب شده، منجر به صرف ارز گسترده توسط دولت‌ها جهت ثابت نگه داشتن آنها خواهد شد و در صورت نبود ارز کافی، منجر به افزایش قیمت ارز و تورم گسترده می‌شود که در نهایت منجر به افزایش شکاف طبقاتی خواهد شد. به طور کلی باید بیان کرد که یکسان سازی نرخ ارز، دو اثر عمده‌ی پولی انبساطی برای اقتصاد دارد؛ اما می‌توان این اثرات را عقیم کرد. این سیاست می‌تواند از راه بالا بردن ارزش ریالی‌های بانک مرکزی، منجر به افزایش پایه پولی شود و بر فشارهای تورمی بیفزاید. اثر دیگر، بازپرداخت وام‌های ارزی در زمان سررسید آنها، با نرخ بالاتر به صورت پرداخت‌های ریالی و سپس تبدیل آن به دلار توسط بانک مرکزی است که می‌تواند موجب ایجاد یک ذخیره‌ی تعهد ارزی، افزایش پایه پولی و در نهایت افزایش تورم بالقوه در کشور شود. بانک مرکزی تاکنون نتوانسته اثرات انبساطی یادشده را خنثی سازد.

در این شرایط اگر از ارز به عنوان ابزار سیاست پولی یا لنگر اسمی برای کنترل تورم استفاده شود و به عبارتی نرخ ارز ثابت باشد، لازمه‌ی آن پایبندی به انضباط مالی و پولی است. در غیر این صورت نبود توازن‌های مالی که غالباً با انبساط پولی همراه است، منجر به افزایش نرخ تورم داخلی نسبت به تورم جهانی می‌شود؛ زیرا با نظام ارزی ثابت و کنترل بازار توسط بانک مرکزی، جریان سیاست ارزی بر سیاست پولی و به تبع آن اقتصاد کشور سایه خواهد انداخت. به عبارتی زمانی که درآمدهای ارزی نفتی و به تبع آن عرضه در بازار ارز افزایش یابد، پول ملی تقویت می‌شود و بانک مرکزی برای ثابت نگه‌داشتن نرخ ارز مجبور است با جمع کردن اضافه عرضه ارز در بازار، ریال به

بازار تزریق کند که زمینه افزایش تورم را فراهم می‌کند. از این رو موفقیت به کارگیری نظام‌های ارزی ثابت نیازمند ثبات و اطمینان در جریان درآمدهای ارزی برای اقتصاد نفتی نظیر ایران است. انتخاب رژیم میخکوب شدید برای کشورهایی معنا دارد که یا با تاریخ طولانی بی‌ثباتی پولی مواجه بوده‌اند و یا برای کشورهایی که از نقطه‌ای به بعد تبادلات مالی حساب جاری و حساب سرمایه با یک یا گروهی از کشورها یکپارچه شده باشند. به هر حال اگرچه دنیا در حال حرکت به سمت الگوهای ارزی شناور است، رژیم‌های میانه بخش بزرگی از ترتیبات ارزی را به خود اختصاص می‌دهند. موارد اصولی دیگری که در مقابل رژیم‌های میانه ارزی قابل طرح بوده‌اند، تجربه رژیم میخکوب قابل تعدیل در چارچوب سیستم برتون وودز بود که با حملات سفته‌بازانه دچار فروپاشی شد و ترتیبات ارزی میخکوب خزانده که پس از بحران‌های اخیر آسیا این کشورها را به طور گسترده‌ای با استفاده از آن درگیر کرد. در واکنش به آن، تجربه بسیاری از کارشناسان رژیم دوقطبی را به عنوان گزینه قابل انتخاب ارائه کرده‌اند.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اثر متغیر مستقل رژیم ارزی شناورمدیریت شده بر متغیر وابسته ضریب جینی به عنوان توزیع درآمد منفی و معنادار است و نشان می‌دهد که افزایش شاخص رژیم ارزی شناور مدیریت شده منجر به واقعی شدن قیمت‌ها، صادرات و واردات و... می‌شود که منجر به افزایش تولید و کاهش تضاد طبقاتی خواهد شد. ترس از شناوری موجب شده بسیاری از اقتصادهای نوظهور به جای حرکت به سمت نظام شناور به سمت رژیم‌های میخکوب شدید حرکت کنند. در عین حال در دلاریزه شدن و سیستم‌های مبتنی بر دارایی‌های خارجی، کاستی‌های جدی وجود دارد که عمده‌ترین آن فقدان یک مقام پولی به عنوان قرض‌دهنده و پناهگاه نهایی برای دفع آشوب‌های خارجی است. به علاوه، اتحادیه‌های پولی که قادرند بر این مشکلات فائق آیند، خود به توافقات سیاسی قابل توجهی نیازمندند که بتوانند از طریق آن خود را در مقابل آشوب‌های ناگزیری که در طول زمان حادث می‌شود محافظت کنند. به طور کلی، نظام ارزی کشور زمانی می‌تواند برای اقتصاد مفید باشد که بین شرایط اقتصادی و اولویت‌بندی اهداف با توجه به محدودیت‌های منابع ارزی انتخاب شده، تناسب وجود داشته باشد. در اکثر کشورها در انتخاب رژیم ارزی، هدف کاهش تورم و ثبات در سطح تولید، اهمیت زیادی دارد و در این میان بیشتر کشورهای فقیر و درحال توسعه، الویت اصلی‌شان دستیابی به سطح تولید بالاتر است، بنابراین با اتخاذ رژیم ثابت ارزی ممکن است نرخ ارز پایین‌تر از نرخ تعادلی تعیین شود. در این صورت، به دلیل ارزان بودن نرخ ارز، واردات رونق می‌یابد و تولید داخلی و صادرات ضعیف می‌شود، در نتیجه ممکن است مقامات این کشورها تمایل داشته باشند که مقداری تورم را به منظور جلوگیری از کاهش سطح تولید، صادرات و به طور کلی تغییرپذیری در مقابل شوک‌ها بپذیرند.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اثر متغیر مستقل رژیم ارزی میخکوب خزنده بر متغیر وابسته شاخص ضریب جینی به عنوان توزیع درآمد برای گروه کشورهای اوپک مثبت و معنادار و برای گروه کشورهای OECD مثبت و غیرمعنادار است و نشان می‌دهد که افزایش رژیم ارزی میخکوب شده و حرکت کشورها به سمت ترتیبات ارزی میخکوب شده، منجر به صرف ارز گسترده توسط دولت‌ها جهت ثابت نگه داشتن آنها خواهد شد و در صورت نبود ارز کافی، منجر به افزایش قیمت ارز و تورم گسترده می‌شود که در نهایت منجر به افزایش شکاف طبقاتی خواهد شد. همچنین نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اثر متغیر مستقل رژیم ارزی شناور آزاد بر متغیر وابسته ضریب جینی به عنوان توزیع درآمد در گروه کشورهای اوپک منفی و غیرمعنادار و در گروه کشورهای OECD منفی و معنادار است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اثر متغیر مستقل تولید ناخالص داخلی حقیقی بر متغیر وابسته ضریب جینی به عنوان توزیع درآمد منفی و معنادار است و نشان می‌دهد که افزایش تولید ناخالص داخلی حقیقی منجر به کاهش تضاد طبقاتی خواهد شد. نتایج پژوهش منطبق بر تئوری کوزنتس و مطالعات کاررونی و همکاران (۱۳۹۸)، هادج فرج و همکاران (۲۰۱۸) بلینی و همکاران (۲۰۱۸)، آپرچیس و کوری (۲۰۱۷) و جمیل (۲۰۲۲) می‌باشد. به بیان دیگر همانند مطالعات ذکر شده، نتایج نشان می‌دهد که افزایش شاخص رژیم ارزی شناور آزاد منجر به واقعی شدن قیمت‌ها، صادرات و واردات و... می‌شود که منجر به افزایش تولید و کاهش تضاد طبقاتی خواهد شد.

محدودیت‌های پژوهش حاضر به شرح زیر قابل ذکر است: نتایج پژوهش حاضر با استفاده از داده‌های کشورهای اوپک و OECD بوده است. عدم استفاده از اطلاعات برخی کشورها به دلیل عدم امکان دسترسی به آنها. با توجه به اینکه قلمرو زمانی پژوهش، سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۸ به صورت پانل بوده است، باید در تعمیم نتایج به دوره‌های قبل و بعد از آن، جنبه احتیاط رعایت گردد. با توجه به نتایج پژوهش به مدیران کلان اقتصادی و ارزی کشورهای موردبررسی پیشنهاد می‌شود جهت کاهش تضاد طبقاتی، سیاست‌های مبتنی بر قطع سیاست‌های ارزی میخکوب شده در پیش بگیرند، زیرا افزایش رژیم ارزی میخکوب شده و حرکت کشورها به سمت ترتیبات ارزی میخکوب شده، منجر به صرف ارز گسترده توسط دولت‌ها جهت ثابت نگه داشتن آنها خواهد شد و در صورت نبود ارز کافی، منجر به افزایش قیمت ارز و تورم گسترده می‌شود که در نهایت منجر به افزایش شکاف طبقاتی خواهد شد. همچنین با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود جهت کاهش تضاد طبقاتی، سیاست‌های مبتنی بر سیاست‌های ارزی شناور در پیش بگیرند، زیرا افزایش شاخص رژیم ارزی شناور منجر به واقعی شدن قیمت‌ها، صادرات و واردات و... می‌شود که منجر به افزایش تولید و کاهش تضاد طبقاتی خواهد شد. همچنین به مدیران کلان اقتصادی و ارزی

کشورهای موردبررسی پیشنهاد می‌شود جهت کاهش تضاد طبقاتی، سیاست‌های رشد محور را در پیش بگیرند، زیرا افزایش تولید ناخالص داخلی حقیقی منجر به کاهش تضاد طبقاتی خواهد شد.

منابع

۱. اسدی، سیدپیمان. و بهرامی، جاوید. (۱۳۹۲)، اقتصاد سیاسی نظام ارزی کشورهای نفتی. پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، ۳(۹)، صص ۲۹-۱.
۲. اشرفزاده، حمیدرضا و مهرگان، نادر. (۱۳۸۷)، *اقتصادسنجی پانل دیتا*، موسسه تحقیقات تعاون دانشگاه تهران، چاپ اول.
۳. افشاری، زهرا، آذری، سما. (۱۳۹۶)، توسعه مالی، نابرابری درآمدی و فقر در ایران. سیاست گذاری پیشرفت اقتصادی، ۵(۱)، صص ۲۸-۹.
۴. بهادر، علی (۱۳۹۴)، "نظامهای ارزی دسته بندی، شناسایی و آثار اقتصادی". پژوهشکده پولی و بانکی. MBRI-RP- 94003
۵. پاشا زانوس، پگاه، بهرامی، جاوید، توکلیان، حسین، محمدی، تیمور. (۱۳۹۸)، بررسی عملکرد رژیم‌های ارزی بر نوسانات تولید و تورم در شرایط ادغام مالی بین‌المللی برای اقتصاد ایران: رهیافت تعادل عمومی پویای تصادفی. *اقتصاد و تجارت نوین*، ۱۴(۳)، صص ۶۹-۴۱.
۶. پروین، سهیلا و طاهری فرد، احسان. (۱۳۸۷)، *تاثیر سیاست‌های پولی بر فقر و توزیع درآمد: مطالعه موردی اقتصاد ایران، پژوهش‌های اقتصادی*، ۸(۴)، صص ۱۲۸-۹۵.
۷. توکلیان، حسین و افضل‌ابرقویی، وجیهه. (۱۳۹۵)، *مقایسه عملکرد اقتصاد کلان در رژیم‌های مختلف ارزی، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی*، سال ۱۶، شماره ۶۱، صص ۸۱-۱۲۵.
۸. جبل عاملی، فرخنده و برادران شرکا، حمیدرضا. (۱۳۸۲)، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران* شماره ۱۵، صص ۱۲۱-۱۴۱.
۹. داوودی، پرویز و براتی، محمد علی. (۱۳۸۶)، *بررسی آثار سیاست‌های اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران، فصلنامه پژوهش نامه بازرگانی*، ۴۳، صص ۳۲۲-۲۸۳.
۱۰. ریمون، مورنو (۱۳۸۰)، *سیاست تثبیت نرخ ارز در کشورهای در حال توسعه. پژوهشنامه اقتصادی*، ۱(۳)، صص ۱۹۴-۱۷۹.
۱۱. زارعی، مبینا، حیدری، حسن، جلیلی کامجو، سید پرویز. (۱۳۹۸)، *ارزیابی فضایی نوسانات نرخ ارز بر مصرف کالای بادوام توسط خانوارهای شهری در استان‌های ایران، اقتصاد و تجارت نوین*، ۱۴(۴)، صص ۱۰۶-۸۱.
۱۲. زیبایی، حسن. (۱۳۸۴)، *ارزیابی سهم عوامل تعیین کننده نابرابری توزیع درآمد در ایران، فصلنامه برنامه ریزی و بودجه*، ۹۱. ۱-۱۰.
۱۳. سالواتوره، دومینیک. (۱۳۸۴)، *نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصاد بین‌الملل مالیه بین‌الملل*، ترجمه حمیدرضا ارباب، نشر نی، چاپ سوم، صص ۴۶-۴۱.

۱۴. سجودی، سکینه، جلیلی آیلار. (۱۳۹۹)، بررسی اثر شاخص اسلامی شدن مالی بر توزیع درآمد و رشد اقتصادی. نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی. ۹ (۳۰)، صص ۴۹-۷۰.
۱۵. سرلاب، محمد. (۱۳۹۵)، بررسی اثرات سیاست‌های پولی، مالی، ارزی بر توزیع درآمد در ایران، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۶. سرلاب، محمد. (۱۳۹۷)، اثر افزایش نرخ ارز بر نابرابری درآمد در بخش شهری، دومین همایش بین‌المللی مدیریت، حسابداری و اقتصاد در توسعه پایدار، مشهد، موسسه تعاونی دانش بنیان کمرآوش
https://www.civilica.com/Paper-MGTCONF02-MGTCONF02_041.html
۱۷. سلطان آبادی، حسین. (۱۳۹۱)، بررسی رابطه بین نرخ ارز و نابرابری درآمد در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران، دانشکده علوم اقتصادی و اداری.
۱۸. صادقی عمر و آبادی، بهروز. گوگردچیان، احمد؛ و نجفعلی شهبازی. (۱۳۹۱). تحلیل تجربی آثار پول شویی بر رشد اقتصادی، مخارج دولت و نابرابری درآمدی در ایران. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران. ۱(۱)، صص ۹۷-۱۱۷.
۱۹. صادقی عمر و آبادی، بهروز. (۱۳۹۸). تحلیل اثرات تحریم‌های آمریکا بر فقر و نابرابری در اقتصاد ایران، کنفرانس بین‌المللی اقتصاد جهانی و تحریم‌ها، تهران، مرکز مطالعات و همکاری‌های علمی بین‌المللی وزارت علوم تحقیقات و فناوری،
https://www.civilica.com/Paper-ICGES01-ICGES01_007.html
۲۰. صبوری، امیر. ربیعی، مهناز. زندی، فاطمه. و شکوری، بهرام. (۱۴۰۲)، تأثیر سیاست پولی بهینه بر نقدینگی و نابرابری توزیع درآمد. نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی. ۱۲ (۴۲)، صص ۳۸۷-۴۰۵
۲۱. صفدری، مهدی. و شهیکی تاش، مهیم. (۱۳۸۹)، تاثیر شاخص‌های کلان بر توزیع درآمد در ایران (۱۳۵۳-۱۳۸۶)، پژوهش‌نامه بازرگانی، ۵۷، صص ۴۱-۴۸
۲۲. عاطفی‌منش. رویا (۱۳۹۳)، مروری بر رژیم‌های ارزی مختلف و گزینه مناسب برای امارات متحده عربی مجله اقتصادی، ۹ و ۱۰، صص ۸۳-۱۰۲.
۲۳. عزیزی نژاد، صمد و کمیجانی، اکبر. (۱۳۹۶)، تغییرات نرخ ارز و اثر آن بر نوسانات متغیرهای منتخب اقتصاد کلان در ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، ۱۷، ۱، صص ۱۴۳-۱۲۱.
۲۴. فطرس، محمد حسن. رسولی، مرضیه. (۱۳۹۵). اثر تغییرات ساختار اقتصادی بر نابرابری درآمدی در ایران، ۱۳۹۳-۱۳۶۰. سیاست‌گذاری پیشرفت اقتصادی، ۴(۱)، صص ۴۲-۹.

۲۵. فلاحی، محمدعلی. و فرشته یوسف زاده، (۱۳۹۸)، بررسی رابطه بین نرخ ارز و نابرابری درآمدی در ایران، دومین همایش سراسری علم و فناوری هزاره سوم اقتصاد، مدیریت و حسابداری ایران، تهران، موسسه برگزار کننده همایش های توسعه محور دانش و فناوری سام ایرانیان، https://www.civilica.com/Paper-TCCONF02-TCCONF02_086.html
۲۶. کازرونی، علیرضا. محمدزاده، پرویز. حقیقت، جعفر. تیموری لله لو، سجاد. (۱۳۹۸)، اثر تکانه های پولی بر اشتغال تحت رژیم های ارزی در ایران: رویکرد DSGE/ اقتصاد و تجارت نوین، ۱۴(۲)، صص ۱۰۴-۷۷.
۲۷. ماندگانی سجاد، افقه سیدمرتضی، نامور احسان. (۱۳۹۱) برآورد اثرات متغیرهای اقتصادی کلان بر نابرابری توزیع درآمد در ایران. رفاه اجتماعی. ۱۲ (۴۶)، صص ۱۸۱-۱۶۱.
۲۸. مجیری، آزاده. محتشمی برزادران، غلامرضا و واقعی، یدالله. (۱۳۸۷)، برآورد منحنی لورنتس و ضریب جینی به روش پارامتری. گزیده مطالب آماری، ۱۹(۱)، صص ۱۴-۱.
۲۹. نظری محسن، فتوره چی، زهرا. (۱۳۸۹)، رابطه جهانی شدن با توزیع درآمد در ایران آزمون فرضیه کوزنتس، استالپر - ساموئلسون و ماندل در ایران. رفاه اجتماعی. ۱۰ (۳۶)، صص ۲۵۴-۲۳۷.
۳۰. نظری، محسن. (۱۳۹۵)، اقتصاد کلان، انتشارات نگاه دانش، ص ۳۳.
۳۱. وکیلی، علی. رضائی، ابراهیم. غفاری، فرهاد. (۱۴۰۱)، کنکاشی بر اثر بحران های ارزی بر بخش واقعی اقتصاد ایران: واکنش بهره وری، اشتغال و رشد اقتصادی. نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی. ۱۱ (۴۱)، صص ۸۱-۱۱۶.
32. Afshari, Zahra, Azari, Sama. (2018). Financial development, income inequality and poverty in Iran. *Economic Progress Policy*, 5 (1), 9-28. (In Persian)
33. Nicholas,. Cooray, Arusha. (2017), Asymmetric real exchange rates and poverty, *The role of remittances*. (In Persian)
34. Ashrafzadeh, Hamidreza and Mehregan, Nader. (2008). Data Panel Economics, Cooperative Research Institute, University of Tehran, First Edition. (In Persian)
35. AtefineJhad. Roya (2014), A Review of Various Currency Regimes and a Suitable Option for the United Arab Emirates, *Economic Journal*, No. 9 and 10, 83-102. (In Persian)
36. Azizi Nejad, Samad and Komijani, Akbar. (2017), Currency exchange rate changes and its effect on fluctuations of selected macroeconomic variables in Iran, *Quarterly Journal of Economic Research (Sustainable Growth and Development)*, 17(1), 143-121. (In Persian)

37. Baltagi, Badi, (2005), *Economic Analysis of Panel Data*. Third Edition John Wiley and Sons, Ltd.
38. Bleaney. M., Saxena, S., Yin, L. (2018), *Exchange Rate Regimes, Devaluations and Growth Collapses*, Journal of Macroeconomics. 15(2), 15-29.
39. Bodea, C., Houle, C., & Kim, H. (2021). Do financial crises increase income inequality?. *World Development*, 147, 105635.
40. Bolukoglu, A. (2020). Capital flows, real exchange rate appreciation, and income distribution in an open economy post Keynesian model of distribution and growth. *Journal of Post Keynesian Economics*, 43(4), 608-633.
41. Bordo Michael, D. & Lars Jonung (2000), "Lesson for EMU from the History of Monetary Unions", London, Institute for Economic Affairs.
42. Bruno, Michael (1991), "High Inflation and the Nominal Anchors of an Open Economy", Princeton University, International Finance Section, Essay in International Finance, No.183.
43. Calderon, C., Schmidt Hebbel, K. (2008), *Choosing an Exchange Rate Regime*, Central Bank of Chile. No 494.
44. Chia, W., Cheng, T., Li, M. (2010), *Exogenous Shocks and Exchange Rate Regime*.
45. Criscione, T., Guterman, E., Avanzo, S., & Linares, J. (2022). Community currency systems: Basic income, credit clearing, and reserve-backed. Models and design principles (No. 04-2022). FRIBIS Discussion Paper Series.
46. Fallahi, Mohammad Ali and Fereshteh Yousefzadeh, (2009), The Relationship between Exchange Rate and Income Inequality in Iran, Second National Conference on Science and Technology of the Third Millennium of Economics, Management and Accounting, Iran, Tehran. (In Persian)
47. Fetros, Mohammad Hassan, Rasooli, Marzieh. (2017). The effect of changes in economic structure on income inequality in Iran, 1360-1393. *Economic Progress Policy*, 4 (1), 9-42. (In Persian)
48. Gholami Jafarabadi, Setare. (2016), A Study of the Impact of Change on Foreign Exchange Policies on Iran's Macroeconomic Variables, *Economic Journal*, 9 & 10, 51-23. (In Persian)
49. Hadj Fraj, S., Hamdaoui, M., Maktouf, S. (2018), *Governance and economic growth, The role of the exchange rate regime, International Economics*.
50. Ilzetzki, E., Reinhart, C. M., & Rogoff, K. S. (2022). Rethinking exchange rate regimes. In *Handbook of international economics* (Vol. 6, pp. 91-145). Elsevier.
51. Jamil, M. N. (2022). Impact the choice of exchange rate regime on country economic growth: which anchor currency leading the 21st century. *Journal of Environmental Science and Economics*, 1(1), 18-27.

52. Kocherlakota, N., Pistaferri, L. (2008), *Inequality and real Exchange Rate, Federal Reserve Bank of Minneapolis working paper*, No.493.
53. Kuznets, S. (1956). Quantitative aspects of the economic growth of nations: I. Levels and variability of rates of growth. *Economic development and cultural change*, 5(1), 1-94.
54. Kuznets, S. (1959). On comparative study of economic structure and growth of nations. In *The comparative study of economic growth and structure* (162-176). NBER.
55. Kuznets, S. (1961). Economic growth and the contribution of agriculture: notes on measurement (No. 979-2016-77077).
56. Lyubimov, I., (2017). Income inequality revisited 60 years later: Piketty vs Kuznets. *Russ. J. Econ.* 3 (1), 42–53.
57. Min, H, (2002), *Inequality, the price of Nontradable and the Real exchange Rate, Theory and Cross-Country Evidence*, World Bank Policy Research Working paper , No 2758. Monetary Unions", London, Institute for Economic Affairs.
58. Nazari, Mohsen, (2016), *Macroeconomics*, Negah Danesh Publications, p. 33. (In Persian)
59. Nowruz, Ali. (2013), *The uncertainty effect of exchange rate on income distribution in Iran*, Payame Noor University of Karaj. (In Persian)
60. Obstfeld, M., & Rogoff, K. (1995). The mirage of fixed exchange rates. *Journal of Economic perspectives*, 9(4), 73-96.
61. Oskooee, Bahmani. Motavalizadeh Ardakani, (2017), *Exchange rate changes and income distribution in 41 countries*.
62. Philippe, Aghion. Bacchetta, Philippe,. Ranciere, Romain,. Rogoff, Kenneth, (2006), *Exchange rate volatility and productivity growth, the rool of financial development*, National Bureau of Economic Research, Working paper, No 12117.
63. Preminger, A., Franck, R. (2007), Forecasting exchange rate, A robust regression approach, *International journal of Forecasting*, 23(1),71-84.
64. Rousta, Iman, Mirza Mohammadi, Saeed, Mehregan, Nader, Eskandari Atta, Mohammad Reza. (2017). The Impact of Indirect Taxation on Income Distribution in Iran: A Computable General Equilibrium Model (CGE). *Economic Development Policy*, 4 (2), 107-132. (In Persian)
65. Sabouri A, rabiei M, zandi F, shakouri B. (2023). The effect of optimal monetary policy on liquidity and inequality of income distribution. *Mieaoi*, 12 (42), 387-405. (In Persian)
66. Sadeghi Amroabadi, Behrouz, (2018). Analysis of the effects of American sanctions on poverty and inequality in Iran's economy, *International Conference on World Economy and Sanctions*, Tehran, Center for International Scientific Studies and Cooperation of the Ministry of Science, Research and Technology. (In Persian).

67. Sadeghi Amroabadi, Behrouz. Gugardchian, Ahmed; and Najafali Shahbazi. (2011). Empirical analysis of the effects of money laundering on economic growth, government spending and income inequality in Iran. Strategic studies of Iran's social issues. (1) 1, 117-97. (In Persian).
68. Salvatore, Dominic. (2005), Theories and Policies of International Economics International Finance, Hamid Reza Arbab, Ney Publishing, Third Edition, 41-46. (In Persian)
69. Sarlab, Mohammad, (2018), The effect of exchange rate increase on income inequality in the urban sector, 2nd International Conference on Management, Accounting and Economics in Sustainable Development, Mashhad, Kemaravosh Knowledge-Based Cooperative Institute. (In Persian)
70. Sarlab, Mohammad. (2016), A Study of the Effects of Monetary, Financial and Currency Policies on Income Distribution in Iran, Shahid Beheshti University. (In Persian)
71. Shahbaz, M., Islam, F., Butt, M. (2013), *Devaluation and income inequality nexus, Evidence from Pakistan*, International Journal of Economics and Empirical Research, 1, 48–58.
72. Sojoodi S, Jalili A. (2020). The effect of financial Islamization index on income distribution and economic growth. Miaoai, 9 (30), 49-70. (In Persian)
73. Soltanabadi, Hossein, (2012), The relationship between exchange rate and income inequality in Iran, Mazandaran University, Faculty of Economics and Administrative Sciences. (In Persian)
74. Suresh Babu, M., Bhaskaran, V., Venkatesh, M., (2016), Does inequality hamper long run growth? Evidence from Emerging Economies. Econ. Anal. Policy. 52, 99–113.
75. Tavaklian, Hossein and Afzali Abarghavi (2016), Comparison of macroeconomic performance in different foreign exchange regimes, Quarterly Journal of Economic Research, 16(61), 251-81. (In Persian)
- Dehmardeh, Nazar., Safdari, Mehdi and Shahiki Tash, Mahim. (2010), The effect of macro indicators on income distribution in Iran, Quarterly Journal of Business Research, 54. (In Persian)
76. Vakili A, Rezaei E, Ghafari F. (2023). A Discussion on the Effects of Currency Crises on the Real Sector of Iran's Economy: The Reaction of Productivity, Employment and Economic Growth. Miaoai, 11 (41), 81-116. (In Persian).
77. Woldie, G. A., & Siddig, K. (2019). Macroeconomic and distributional impacts of exchange rate devaluation in Ethiopia: A computable general equilibrium approach. Heliyon, 5(12), e02984.
78. Zhang, R., Ben Naceur, S., (2019). Financial development, inequality, and poverty: Some international evidence. Int. Rev. Econ. Finance. 61, 1–16.